

خدمات محققان شبه قاره هند و پاکستان در زمینه فرهنگ و

تمدن اسلامی* (علمی - پژوهشی)

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد جیرفت

چکیده

با نفوذ اسلام به شبه قاره و گسترش آن در اقصا نقاط این خطه پهناور، تعداد زیادی از مردم شبه قاره، اسلام را با جان و دل پذیرفتند.

این پذیرش و قبول به دنبال تشکیل حکومتها و دولتهای اسلامی به مروز زمان موجب شد که برای درک مسائل قرآنی و علوم اسلامی، کتابها و آثاری در زمینه دانشهای قرآنی تدوین شود. بدین ترتیب که فرهیختگان و دانشمندان علوم گوناگون اسلامی شبه قاره - چه شیعی و چه سنی - عزم خود را جزم کردند و بر آن شدند تا به مدد ابداع و ابتکارهای خود یا با پیش روی قرار دادن کتابها و رساله‌های اسلامی دیگر سرزمینها بویژه ایران به آفرینش آثار گوناگون دست بزنند. پس از آن در طول چند قرن، عالمان و دانشمندان علوم اسلامی شبه قاره در زمینه‌های گوناگون قرآنی و اسلامی چون ترجمه، تفسیر، فقه و علوم دیگر قرآنی آثار بسیاری آفریدند که اگر در حوزه‌های مختلف به تمام این مباحث پرداخته شود، حجم فراوانی از تألیف و پژوهش را در بر می‌گیرد بویژه در زمینه ترجمه و تفسیر قرآن که تا کنون کتابها و تحقیقات زیادی صورت گرفته و هنوز هم مراکز و سازمانهای متعددی - غیر کارهای شخصی - در سراسر این سرزمین وسیع بدین‌مهم مشغولند؛ اما از آنجا که هدف این مقاله طرح تمام این مسائل و موارد نیست، بلکه اشاره‌ای به برخی آثار مهم در این زمینه است، فقط به ذکر نمونه‌هایی بسنده شده است. با این حال در اصل طرح تا حد لزوم به

تمام موضوعات اساسی پرداخته شده و حتی از معرفی تنی چند از این بزرگان که طی چند دهه عمر گرانبهای خود از هیچ کوششی مضایقه نکرده‌اند، صرف نظر نشده است. کلید واژه: محققان شبه قاره، قرآن، تفسیر قرآن، ادبیات فارسی در شبه قاره، دانشمندان شبه قاره.

نخستین حمله اعراب بعد از اسلام به سرزمین هند در زمان خلیفه دوم به سرکردگی محمد بن قاسم به جنوب هند بود که چندان پیشرفتی در اشاعه و گسترش اسلام به بار نیارود و کاری از پیش نبرد. دویست و پنجاه سال پس از نخستین حمله مسلمانان (غازیان عرب) دومین حمله مجاهدان اسلام از طرف جبال هندوکش و شمال غرب هندوستان آغاز شد و به تأسیس سلسله های سلاطین اسلامی در شمال هندوستان منجر گردید. مقدم این مهاجمان سلطان محمود غزنوی بود که ۱۵ یا ۱۷ بار به شمال غرب هندوستان تاخت و شهرهای آباد و معبد های پراز تحفه های گرانبها را غارت کرد. گرچه سلطان محمود سلطنت پایداری در شمال هندوستان برقرار نکرد، قسمتی از پنجاب و سند را به تصرف خود در آورد و سلاطین خاندان راجپوت را ضعیف و ناتوان ساخت.

دو قرن بعد از او، نوبت به سلطان شهاب الدین محمود غوری رسید که به شمال هندوستان یورش برد و آخرین سلاطین دهلی را مغلوب کرد و تا قنوج خاک ملکش وسعت گرفت... قطب الدین ایبک سردار ترک از جمله کسانی بود که در رکاب شاه غور، اولین سلسله مسلمانان هند را به نام سلاطین ممالیک را بنا نهاد. این سلسله مدت ۸۴ سال (۱۲۰۶ - ۱۲۹۰ هـ ق) در شمال هندوستان سلطنت کردند. از آثار زمان قطب الدین ایبک، بنای مسجد «قبه الاسلام» دهلی است که پس از وی دامادش التمش و سپس علاء الدین خلجی، آن را توسعه دادند و منار قطب که از آثار تاریخی هندوستان است در آن مسجد قرار گرفت (حکمت، ۱۳۳۷، ص ۴۴ - ۴۸ به اختصار).

بعد از سلاطین ممالیک چند خاندان مسلمان به نام خلجیان، تغلقیان، سادات، لودیان در شمال هند از ۱۲۹۰ م تا ۱۵۲۶ م پی در پی پادشاهی کردند. از آن میان خلجیان قلمرو خود را به جنوب هند توسعه دادند و در غرب تا حد گجرات را متصرف شدند.

حمله مهم تاتار به هند شمالی تحت ریاست امیر تیمور در آخر قرن چهاردهم (۱۳۹۸ م) صورت گرفت. وی تا دهلی تاخت و آن شهر شهیر را غارت و قتل عام کرد. گرچه تیمور به آسیای مرکزی که موطن او بود بازگشت، تقریباً یک صد سال بعد از وی (۱۵۲۶ م)

نیره اش، ظهیرالدین محمد بابر شاه - از امیران نامدار - به هندوستان لشکر کشید و ابراهیم لودی آخرین پادشاه دهلی را مغلوب ساخت و به جای او بر تخت پادشاهی شمال هندوستان نشست. اعقاب بابر، که مدت ۳۵۰ سال بر هندوستان سلطنت کردند به خاندان «مغول کبیر» یا «بابریه» یا «گورکانیه» معروفند (همان، ص ۴۸ - ۴۹).

سلاطین بابریه با درایت و سیاست خاص خود توانستند در چند دهه بر سراسر شبه قاره هندوستان دامنه تصرفات خود را بگسترانند و نتایج مطلوبی از کار خود به دست آورند. آنان نه تنها پادشاهانی سلحشور و کشورگشا بودند، بلکه مردانی مدیر و حامی بزرگ ادب و هنر و پاسدار دین و پشتیبان علما و دانشمندان در زمینه های گوناگون به شمار می رفتند. این مسئله به دوران این پادشاهان منحصر نمی شود، بلکه در دوران پیشین در گاه خلجیان، لودیان، سیدان و تغلقیان هم محفل علما، دانشمندان، ادبا، شعرا و ارباب هنر و حرف بوده است و بررسی تاریخ حیات علمی، ادبی و فرهنگی آنان و آثار آن دوره از فضل دولتی و آدابانی این پادشاهان دوران اسلامی هند بزرگ نشان دارد؛ امری که سرانجام نتیجه حمایت و پشتیبانی پادشاهان فرهنگ پرور و بعضاً وزیران و صاحبمنصبان و حکمرانان محلی مناطق دور و نزدیک به پایتختها بوده است که ان شاء الله به اختصار بدانها خواهیم پرداخت؛ به عنوان نمونه با ملاحظه کتاب آیین اکبری ابوالفضل دکنی درمی یابیم که تا چه اندازه به علمای محقق و شاعران سخنور و هنرمندان و صنعتگران در دوره اکبری اهمیت می دادند. سیاهه ای از نام این نام آوران شاهد کوچکی از این مدعاست. به کار گماردن رجال برجسته از میان هندوان و مسلمانان در دربارها چون عبدالرحیم خانخانان و راجه مانسنگ از وسعت نظر و انشراح صدر اکبر پادشاه حکایت می کند. این امور تنها به دوران اکبر منحصر نیست، بلکه با مختصر تفاوتی، تعظیم و تکریم علما و دانشمندان دینی و شاعران و ادیبان و هنرمندان در سطوح مختلف در مراکز حکومت پادشاهان بزرگ و حتی در دربار حاکمان و پادشاهان محلی و تحت سلطه حاکمان اصلی در گستره پهناور شبه قاره مشاهده می شود. وجود آثار گوناگون و گسترده در موضوعات مختلف علمی، دینی، ادبی، هنری، فرهنگی بویژه در علوم قرآنی و هم چنین فراوانی علما و ارباب فضل و ادب و هنر، که آثار و کتابها و نامشان زیور و زینت کتابخانه های فراوان شبه قاره است، شاهد این مدعاست.

البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که صرف نفوذ اسلام و پیامدهای آن، که خود به خلق آثار فراوان در عرصه‌های گوناگون منجر شد، کشور پهناور هندوستان را از نظر فرهنگی و علمی غنا نبخشید، بلکه در کنار این فرهنگ، فرهنگ غنی و پربار شبه قاره هم وجود داشت که با برخورد با فرهنگ اسلامی - جدا از جنبه های فرهنگی مستقل و آثار بجامانده مردم آن خطه - موجب ابداع و ایجاد آثاری در زمینه های گوناگون گردید. این آثار را نمی توان تنها به فرهنگ هندوان یا مسلمانان متعلق دانست، بلکه آمیزه ای عمیق از عناصر دو فرهنگ است.

از این رو، باید گفت که پس از اسلام در سراسر شبه قاره هند و پاکستان از جهتی با سه نوع فرهنگ روبه رو هستیم: الف - فرهنگ و تمدن خاص مردم آن سرزمین که در دورانی بسیاری از آنها به فارسی ترجمه شد. ب - فرهنگ خاص مردم مسلمان شبه قاره که از تأثیر اسلام و پیامدهای فرهنگی آن پدید آمد. ج - فرهنگ مختلط دو ملت.

در اینجا بیشتر بحث، بیان اجمالی سهم بزرگان و ارباب قلم شبه قاره در عرصه های مختلف علوم دینی است که در طول حدود هزار سال از خود به یادگار گذاشته اند؛ آثاری که امروزه وجود آنها گنجینه عظیم و ذخیره گرانقدری از میراث گذشته و حال اسلامی را در تمام سطوح شامل می شود. البته این فقط بخشی از میراث سنگین و ارزشمند علمای شبه قاره به شمار می رود و اگر آثار و مکتوبات و ذخایر فرهنگی در زمینه های دیگر چون مسائل ادبی، تاریخی، هنری، فرهنگی، عرفانی و جز اینها را، که توسط دانشمندان، شاعران، نویسندگان و اهل عرفان و هنر پدید آمده است در نظر بگیریم، تعداد آنها بسیار انبوه و قابل توجه می نماید و اینها هم باز بخشی از این میراث گرانبهاست. وجود بناهای تاریخی، آثار مهم معماری، فراوانی مساجد و امام باره ها و سایر مظاهر فرهنگی شبه قاره، که از فرهنگ عظیم اسلامی تأثیر پذیرفته، خود مقوله ای دیگر است که در جای دیگر و فرصت دیگر باید بدان پرداخته شود.

نکته مهم درخور یادآوری در این باره این است که بیشتر این آثار به زبان فارسی پدید

نقش زبان فارسی در دین اسلام

زبان فارسی را می توان قوی ترین وسیله برای ترویج دین مبین اسلام و مؤثرترین عامل تزکیه و تهذیب بیشتر مردم شرق بویژه ایران و ترکیه و آسیای مرکزی و افغانستان و آسیای جنوبی از جمله مناطقی که امروز پاکستان و هندوستان و بنگلادش خوانده می شود، دانست؛ زیرا این زبان شیرین، همواره محکمترین نیروی دین، اخلاق و آداب و نیرومندترین پایه اتحاد دینی و ارتباط فرهنگی اسلامی در این قسمت آسیا در طول تاریخ خود و مهمترین عنصر برای تشدید و تحکیم علاقه و ولع مذهبی در قلوب تمام طبقات اجتماع و تقویت اساس دین در اذهان علما و فقها و مشایخ و عرفا بوده است. این پاینده ترین زمینه برای پیشرفت فکری و ادبی و هنری اسلامی در سرتاسر این ناحیه به شمار می رود (نقوی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۸).

به طور خلاصه اگر عربی را «زبان تنزیل» بنامیم، نظر به اینکه زبان قرآن مجید و احادیث مقدس رسول اکرم (ص) زبان عربی بوده است، فارسی را هم باید «زبان تفسیر» خواند؛ زیرا خدمتی که این زبان به ترویج و توضیح و تفسیر مسائل دینی و عرفانی و اخلاقی کرد تا کنون هیچ زبان دیگر به این اندازه انجام نداده است. می توان گفت که زبان فارسی مهمترین وسیله برای توسعه و گسترش آموزه های دینی و اخلاقی اسلام در میان توده مردم شرق به شمار می رود.

به طور کلی می توان خدمت زبان فارسی به دین اسلام را به دو دسته تقسیم کرد: نخست به شکل وعظ و تزکیه در مساجد، خانقاه ها، تکایا، مدرسه ها و سایر مراکز دینی که شرح آن از گستره این مقال خارج است. دوم به صورت مجموعه های شعر و کتابهای منشور دینی، عرفانی و اخلاقی (همان).

در واقع، همان طور که زبان عربی پس از اسلام به طرز گسترده و عمیق در زبان و فرهنگ ایران اثر گذاشت و برغناهی زبان فارسی و آثار آن بسیار افزود، زبان فارسی هم تقریباً از آغاز قرن پنجم هجری بر فرهنگ و زبان شبه قاره این تأثیر را داشت و اینجاست که سخن جواهر لعل نهرو درباره اتحاد و ارتباط دو ملت ایران و هند قریب بدین مضمون کاملاً تأیید می شود که: هیچ دو ملتی نیست که از نظر زبان و فرهنگ و تمدن مانند هند و ایران با هم ارتباط داشته باشد. (کشف هند جواهر لعل نهرو)

پیشینه روابط ایران و هند

درباره روابط ایران و هند اسلامی از قدیمترین زمانهای تاریخ تا سالهای اخیر، کتابها، مقالات و آثار فراوانی نوشته شده است که بار دیگر پرداختن به این موضوع چندان ضروری نیست؛ زیرا وجود آثاری چون روابط ایران و اسلام از ریاض الاسلام، تاریخ ادبیات در ایران، تالیف صفا و چندین تاریخ ادبیات دیگر نظیر سرزمین هند از علی اصغر حکمت، شعرالعجم اثر شبلی نعمانی، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی (بویژه ج ۳)، افغان نامه از محمود افشار (ج ۳)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تألیف سعید نفیسی، تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان از علیرضا نقوی، تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان اثر آفتاب اصغر، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند از فرهنگ ارشاد و... ما را از توضیح بیشتر مانع می شود. هم چنین وجود نشریات چندی که به روابط فرهنگی دو جانبه این دو کشور پرداخته اند؛ چون مجله های هلال، هند نوین، پاکستان، پاکستان مصور، هنر و مردم، قند پارسی، فصلنامه دانش و جزآن که در فهرست مقالات فارسی ایرج افشار (فعالاً ۶ جلد) و منابع دیگر آمده است، ما را از بررسی روابط تاریخی میان ایران و هند و دیگر جنبه های آن تا حدودی بی نیاز می کند. حتی مقدمات برخی دیوانهای تصحیح شده مانند دیوان عرفی شیرازی، نظیری نیشابوری، طالب آملی، کلیم کاشانی، سلیم تهرانی، صائب تبریزی و... که بارها چاپ شده و نشر یافته است، اشارات فراوانی بدین موضوع دارد (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص سه مقدمه) با افزوده هایی).

بنا به تحقیق احمد گلچین معانی از آغاز عهد شاه اسماعیل اول (۹۰۷ هـ) تا پایان کار شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵ هـ) یعنی در طول مدتی نزدیک به دو قرن و نیم، ۷۴۵ تن از طبقات و اصناف گوناگون ایران به هند کوچیدند که صورت تفکیکی آنان در مقدمه کتاب کاروان هند وی آمده است و فعلاً ما را با این موارد کاری نیست. فقط یادآور می شود که نزدیک به ۲۰۰ نفر از آنان عالمان و دانشمندان و دست اندرکاران علوم دینی بوده اند. کوچ این گروه از ایرانیان به سرزمین پهناور هند و پاکستان علل گوناگون دارد که در منابع مختلف بدانها اشاره شده است و این مقاله مجال پرداختن به آن نیست (همان، ص پنج).

البته این امر در گذشته های دورتر هم وجود داشته است؛ چنانکه از زمان حملات محمود غزنوی و حتی قبل از آن فرهیختگانی از این سرزمین به برصغیر کوچ کرده و در سلک افراد دربار پادشاهان مسلمان شبه قاره - که بعضاً ایرانی بوده اند - درآمده اند. به همین سبب در تاریخ ادبیات‌ها به نام بسیاری از آنان برمی خوریم.

این علما و دانشمندان که ایرانی تبار بودند در کنار شاعران، ادیبان، صوفیان، هنرمندان و خود پادشاهان و شاهزادگان و حکمرانان شبه قاره هرچه بیشتر در گسترش و اعتلای زبان و فرهنگ اسلامی - ایرانی بویژه رواج زبان فارسی و تألیف آثار فراوان در زمینه های گوناگون این زبان کوشیدند؛ از این رو، سهمی بسزا در آفرینش آثار فارسی و بعضاً عربی اسلامی داشتند.

پس از این مقدمه سعی خواهد شد در حد اختصار، جلوه هایی از سهم علمای هندوستان در عرصه های گوناگون اسلام و علوم اسلامی بیان شود.

در اینجا سخن را برای تیمن و تبرک با قرآن و تحقیقاتی آغاز می کنیم که درباره آن در شبه قاره صورت گرفته است.

«با عنایت به اینکه قرآن کریم محور فرهنگ عظیم و متنوع اسلامی است از همان زمان نزول آن توجه بسیاری از مسلمانان و حتی غیر مسلمانان و مخالفان اسلام و قرآن را به خود معطوف کرده و همواره از آن به عنوان پدیده ای بزرگ یاد کرده اند؛ چنانکه حق طلبان، مؤمنان و باورمندان به آستانه آن سر تعظیم فرود آورده و در راه بسط و گسترش معارف آن به انحای مختلف کوشیده اند. جالب اینکه حتی بیشتر بیگانگان و معارضان آشنا به قرآن هم نتوانسته اند عظمت این کتاب آسمانی را انکار کنند و از میان آنان چه بسیار محققان و مترجمانی بوده اند که به این کتاب مقدس به دیده احترام می نگریستند...» (رادفر، ۱۳۸۲، ص ۸-۷).

کارنامه پژوهش های قرآنی که در ابعاد مختلف در سطح جهان وجود دارد، خود مبین این است که بخش مهمی از این آثار در سایه ترجمه پدید آمده است.

در طول بیش از چهارده قرن که از زمان نزول قرآن می گذرد، ترجمه های مختلفی از آن به صورتهای کامل یا جزوی و به روشهای گوناگون انتشار یافته است که وجود کتابشناسیها و فهرستهای خطی و چاپی و حتی چاپهای سنگی قرآنی، میزان آنها را نشان می

دهد. اگرچه برای یک محقق با امکانات نسبتاً محدود امکان شمارش دقیق و کامل و احصای تمام آنها وجود ندارد، سعی شده است بر اساس منابع موجود - بویژه کتابشناسیها و فهرستهای مختلف از جمله کتابشناسی ترجمه های قرآن به زبانهای خارجی - این امر تا حدودی تحقق یابد. از میان تعداد تقریبی ۲۴۰۰ ترجمه کامل و جزوی قرآن، که به ۸۸ زبان گوناگون صورت گرفته است برگردانهای اردو - ۱۰۱۹ ترجمه - از لحاظ کمیت در صدر آنها قرار دارد.

ترجمه های منشور قرآن

برخی از این ترجمه های منشور در شبه قاره عبارت است از :

- **کشف الرحمن مع تیسیر القرآن و تسهیل القرآن** ، همراه قرآن کریم از احمد رضا خان بریلوی (متوفی ۱۳۴۰ هـ ق) ، چاپ دهلی ، ۱۹۶۲ م ، ج ۲ . این چاپ با رسایی مبنی بر هدایات درباره قرائت نیز همراه است.
- **فیوض القرآن** ، همراه قرآن کریم ، به عنایت حامد حسن بلگرامی ، کراچی ، ۱۳۹۳-۱۳۹۶ هـ ق / ۱۹۷۳-۱۹۷۶ م ، ج ۳ . علاوه بر یادداشتهای تفسیری ، فهرست سوره ها و آیات را دارد (وادفر، ۱۳۸۲ ، ص ۲۲).
- **اعجاز نمای قرآن مجید** ، همراه قرآن کریم از اشرف علی تھانوی (متوفی ۱۹۴۳ م) ، دهلی ، چاپ اول ، ۱۳۵۷ هـ ق / ۱۹۳۸ م ؛ ۴۸۸ ص .
- **مواهب الرحمن** ، همراه قرآن کریم از سیدامیرعلی الملیح آبادی (متوفی ۱۳۳۶ ق) ، لکهنو ، ۱۸۹۶-۱۹۰۲ م (این ترجمه و تفسیر در چندین جلد به چاپ رسیده است (همان ، ص ۲۳ ، ۲۵) .
- **قرآن مجید مترجم مع حاشیه** ، همراه قرآن کریم از ظهیرالدین بلگرامی ، لکهنو ، ۱۸۷۳ م ، ۶۴۴ ص .
- **قرآن ترجمه مولانا عاشق الهی میرتھی** ، همراه قرآن کریم ، لکهنو ، چاپ اول ، ۱۹۰۲ م ، (همان ، ص ۳۵) .
- **ترجمه و تفسیر تنویرالبیان** از سیدعلی لکهنوی ، همراه قرآن کریم ، آگره ، مطبع اعجاز محمدی ، ۱۸۹۵ م .

- ترجمه مع مبسوط حواشی از تاج العلماء علی محمد سید (متوفی ۱۳۱۲ هـ ق)، لکهنو، ۱۳۰۴ هـ ق / ۱۸۸۶ م؛ ۲ ج. بدون متن اردو و احتمالاً اولین ترجمه ای است که در شبه قاره از یک عالم شیعی منتشر شده است (همان، ص ۴۵).

- برای ترجمه ها و تفسیرهای دیگر (رک: رادفر، ۱۳۸۲، ص ۲۰ تا ۱۲۰).

ترجمه های منظوم قرآن

«ترجمه ها و تفسیرهای قرآن در زبان اردو فقط به زبان نثر محدود نمی شود، بلکه تعداد زیادی از شاعران بزرگ نیز با تلاش بسیار، این کلام الهی را در قالب نظم آورده اند که همانند ترجمه ها و تفسیرهای مثنوی، تعداد بیشتری از آنها شامل چند سوره یا پاره است و تعدادی از آنها کامل است؛ در میان آنها برخی صرفاً ترجمه است در حالی که بعضی شاعران ضمن ترجمه، تفسیر هم کرده اند...» (نیازی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۹).

تفسیر منظوم فارسی در شبه قاره هند و پاکستان در سده یازدهم هجری قمری آغاز شد. مؤلف این تفسیر جزوی شیخ نورالدین محمد صالح مخدوم العالم متولد ۱۰ جمادی الاولی ۱۰۶۴ ق / مارس ۱۶۵۴ م. در احمدآباد (گجرات) است. وی کتابهای متعددی تصنیف کرده و بر چند کتاب شرح و حاشیه نوشته است. صدها نفر در حوزه درس و تدریس او تلمذ کرده اند. علاوه بر این، او تفسیر منظوم سوره های فاتحه، بقره و نور را به زبان فارسی تحریر کرده است.

مؤلف دومین ترجمه منظوم فارسی، خواجه سناءالله خراباتی کشمیری متولد ۱۲۴۴ هـ ق در سری نگر است. عالم بزرگی که تعداد تصنیفات خطی او را ۵۲ ذکر کرده اند. وی علاوه بر آشنایی با چند زبان در علوم مختلف چون نجوم، هندسه، هیأت، شعر، اخلاق، کیمیا، طب، فقه، تجوید، صرف و نحو و خطاطی و علوم و فنون دیگر توانایی و مهارت بسیار داشته است. تفسیر منظوم خواجه سناءالله که ناقص مانده است در کتابخانه گنج بخش (راولپندی)، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان نگهداری می شود (همان، ص ۴۰۱ تا ۴۰۲).

از ترجمه های منظوم کامل قرآن به زبان اردو، چهارده ترجمه و تفسیر به شرح زیر باقی مانده است:

۱. تفسیر مرتضوی اثر غلام مرتضی جنون آبادی، ۱۱۹۴ ق / ۱۷۸۰ م.

۲. **تفسیر اویسی** اثر شاه غلام محی الدین قریشی هاشمی سرهندی ، ۱۲۹۰ ق / ۱۷۹۴ م.

۳. **زاد الآخوت** از مولوی عبدالسلام بدایونی ، ۱۲۴۴ ق / ۱۸۲۸ م.

۴. **نظم البیان فی مطلب القرآن** اثر شمس الدین شایق ایزدی ، ۱۳۱۶ ق.

۵. **نظم مقدس** اثر آغا شاعر قزلباش ، ۱۹۰۱ م.

۶. **تفسیر چغتایی** از میرزا ابراهیم بیگ چغتایی ، ۱۹۳۶ م.

۷. **وحی منظوم** اثر سیماب اکبرآبادی ، ۱۹۴۵ م.

۸. **نظم المعانی** مطبع الرحمن خادم ، ۱۹۴۶ م.

۹. **تفسیر غضنفر** از سید غضنفر علی سونی پتی ، پیش از ۱۹۴۷ م.

۱۰. **تفسیر** از محمد ابراهیم پانی پتی ، پیش از ۱۹۴۷ م.

۱۱. **تفسیر عروسی** اثر آغا عبدالرحیم عرشی گویاری ، ۱۹۴۹ م.

۱۲. **سحرالبیان** از مجیدالدین اثر زبیری ، ۱۹۵۱ م.

۱۳. **مفهوم القرآن** اثر محمد ادریس کیف بهوپالی ، ۱۹۵۹ م.

۱۴. **آب روان** از سید شمیم اختر ، ۱۹۶۰ م. (همان، ص ۴۰۳ تا ۴۰۴). به جز

آنها در کتابشناسی ترجمه‌های قرآن تألیف نویسنده این سطور نیز مشخصات ۷۵ ترجمه و تفسیر منظوم قرآن به صورت کامل و جزوی آمده است (رادفر، ۱۳۸۲ ، ص ۱۱۲ تا ۱۲۰).

اگر از ترجمه‌های منثور و منظوم قرآن کریم به زبان اردو، که تعداد آنها به هزار می‌رسد بگذریم و ترجمه‌های دیگر زبانهای متداول در شبه قاره هند و پاکستان چون آسامی، براهویی، بنگالی، پنجابی، تامیلی، تلگویی، سانسکریت، سندی، کشمیری، کنری (کنادا، کناری)، گجراتی، مالایالمی، مراتی (مرهتی) و هندی - و حتی بلوچی و پشتو را که در برخی مناطق شبه قاره بدان تکلم می‌کنند - را هم کنار بگذاریم و به کتابشناسی ترجمه‌های قرآن رجوع کنیم، مشاهده خواهیم کرد که حجم آثار علوم قرآنی علما و محققان شبه قاره در طول چند قرن به حدی فراوان و گونه‌گون است که فقط تهیه فهرستی از نام آن کتابها و رسالات در زمینه‌های گوناگون خود چندین جلد

قطر خواهد شد. این آثار شامل تجوید، آداب خواندن، شمار آیات و غیره و خواص آیات و سوره ها و حروف و رسم الخط و رموز و کشف الآیات و ناسخ و منسوخ و متشابهات قرآن تا زمینه های دیگر علوم اسلامی چون حدیث، فقه، کلام و عقاید، سیر و مغازی، تاریخ اسلام، آیات الاحکام، اعمال شهور و ایام و بویژه تفسیر است که در این مقاله بنا به محدودیت حجم آن ناگزیر باید به ذکر نمونه هایی بسنده شود.

۱. تجوید و بعضاً علوم دیگر قرآنی

- **تجوید القاری** از محمد بخش ملتانی
- **تجوید محمدی** از حاجی محمد (به زبانهای عربی و فارسی)، چاپ دوم، هندو پریس، ۱۳۱۵ هـ / ۱۸۹۷ م.
- **تحفة القراء** از ملا مصطفی بن ابراهیم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ هـ / ۱۶۴۲ - ۱۶۶۶ م). چاپ بمبئی، ۱۳۰۲ هـ / ۱۸۸۵ م.
- **خلاصة التجوید** از غلام محمد بن شاه محمد.
- **خلاصة التنزیل** در ادای حروف با ترتیل از ابن عماد.
- **خلاصة القرائت** از قاسم جونپوری به روزگار شاهجهان (۱۰۳۸ - ۱۰۶۸ هـ / ۱۶۲۸ - ۱۶۵۸ م).
- **زینت القاری** از نورالدین محمد قاری به نام جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ / ۱۶۰۵ - ۱۶۵۷ م).
- **قوة القارئین** از شیخ عبدالاحد بن محمد سعید سرهندی مجددی متخلص به وحدت (م ۱۱۲۶ هـ / ۱۷۱۴ م) توه مجدد الف ثانی.
- **مطلوب القاری** از الله داد بن مبارک لاهوری به نام شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۷ هـ / ۱۶۲۸ - ۱۶۵۸ م).
- **ولا الضالین** (در تحقیق تلفظ حرف ض) از مولوی عالم علی (مطبع مجتبیایی، بدون ذکر سال چاپ) (نقوی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۸ تا ۶۲).
- **اعراب قرآن** از ابوالبرکات رکن الدین محمد مدعوبه تراب (علی لکهنوی).
- **تجوید الفاظ القرآن** (= **رسم الخط قرآن**) از خلیل بن حافظ جمیل معروف به مخدوم صاحب.

- **تحفه الخاقان فی رسم القرآن** از میرزا محمد نعیم بدخشانی رستاقی به نام اورنگ زیب (۱۰۶۹ - ۱۱۱۸ هـ / ۱۶۵۹ - ۱۷۰۷ م).
- **توحیب الفرقان** از محمد ظهیرالدین بلگرامی (م ۱۲۳۹ هـ / ۱۸۲۴ م) چاپ لکهنو، ۱۲۸۷ هـ / ۱۸۷۰ م.
- **در یتیم فی فضایل بسم الله الرحمن الرحیم** تألیف شریف احمد شرافت نوشاهی در ۲۷ رجب ۱۳۵۷ هـ / ۱۹۳۸ م.
- **سراج الحفاظ** در متشابهات قرآن، تألیف الله داد بن عبدالحکیم.
- **فالنامه قرآنی** از حافظ سید نورالله نوشاهی (۱۱۴۷ - ۱۲۲۹ هـ / ۱۷۳۴ - ۱۸۱۴ م) بن حافظ سید محمد حیات نوشاهی.
- **الفوز الکبیر فی اصول التفسیر** از شاه ولی الله محدث دهلوی (مؤلف فتح الرحمن فی ترجمه القرآن).
- **المستخلص** تألیف حافظ الدین ابوالفضل محمد بن محمد بن نصر بخاری (۶۱۵ - ۶۹۳ هـ / ۱۲۱۸ - ۱۲۹۴ م).
- **مستخلص المعانی**، شامل لغات القرآن (چاپ بریلی، ۱۲۸۳ هـ / ۱۸۶۶ م).
- **موتع الغزلان فی رسم الخط القرآن** سروده حیدر («نظم حیدر» ۱۲۱۲ هـ / ۱۷۹۷ م، چاپ لاهور، ۱۲۸۱ هـ / ۱۸۶۶ م) (همان، ص ۶۳ تا ۶۷).

۲. حدیث

پس از قرآن، که اولین منبع اصول و فروع دین اسلام است، «سنت» دومین منبع دین اسلام به شمار می رود. سنت را به عنوان قول و فعل رسول الله تعریف کرده اند. بعضی مانند امام شافعی در رساله خود، قول و فعل اصحاب رسول را هم جزو سنت آورده اند. هم چنین اهل تشیع، قول و فعل و تقریر معصوم را جزو سنت دانسته اند و جمله اقوال و افعال و تقریرات چهارده معصوم را به عنوان سنت قرار داده اند (همان، ص ۶۷ تا ۶۸).

زبان حدیث هم ابتدا چون زبان قرآن عربی بود؛ اما بعدها به دلیل فهم بهتر احادیث ترجمه کتابهای مهم در این زمینه به زبانهای فارسی و اردو و دیگر زبانها صورت گرفت که بعضاً به تعدادی از آنها به عنوان نمونه اشاره می شود:

- تیسیر القاری شرح صحیح البخاری تألیف مولانا قاضی نورالحق (م ۱۰۷۳ هـ / ۱۶۶۳ م) بن شیخ عبدالحق محدث دهلوی (چاپ در شش مجلد، لکهنو ۱۲۹۸) (ب نقل از: فهرست آصفیه ۴: ۲۶۶، ش ۷ - ۱۱۹۲).

- مناقب السادات تألیف علامه شهاب الدین عمر دولت آبادی (م ۸۴۹ هـ). (نسخه خطی، آصفیه ۴: ۲۶۸، ش ۱۱۲۵).

- المصقی شرح مؤطاء از شاه ولی الله دهلوی (م ۱۱۷۶ هـ / ۱۷۶۳ م) (از نسخه خطی: ندوه: ۴۹، چاپ دهلی ۱۲۹۳ هـ / ۱۸۷۶ م. چاپ دیگر، دهلی، ۱۳۴۶ هـ / ۱۹۲۸ م (به نقل از: فهرست آصفیه ۴: ۲۶۸، ش ۱۰۶۳).

- ترجمه بحار الانوار از ناشناس (نسخه خطی کتابخانه محمودآباد، ص ۴۹۸، ش ۲۰). (رک: فهرست آصفیه ۳: ش ۸۶۷).

- مقدمه شرح سفر السعاده از شیخ عبدالحق محدث دهلوی (م ۱۰۵۲ هـ / ۱۶۴۲ م) (به نقل از: ندوه العلماء: ۵۰).

- سرور المحزون از شاه ولی الله دهلوی (مؤلف المصقی) (رک: ندوه العلماء: ۴۲).

- شرح حصن حصین از مولانا حاجی محمد کشمیری (به نقل از: ندوه العلماء: ۴۳).

- شرح مشکوه شریف عربی شرح فارسی از عبدالحق بن سیف الدین (رک: ندوه العلماء: ۴۴).

- بستان المحدثین از شاه عبدالعزیز محدث دهلوی (م ۱۲۲۹ هـ / ۱۸۲۴ م) به نظم (همان، ص ۷۰ - ۷۶ به اختصار).

۳. فقه

با ورود دین اسلام به ایران، ایرانیان تیزهوش پس از گرایش به اسلام، زبان عربی را بخوبی فراگرفتند و به خلق آثار متنوع و متعددی در زمینه های علوم اسلامی دست زدند و در تألیف آثار اسلامی سرآمد علما و دانشمندان دیگر ملل شدند. این آثار از تفسیر قرآن گرفته تا جمع آوری حدیث و فقه و سایر زمینه هاست.

آثار فقهی تألیف شده در ایران و دیگر سرزمینها، که همواره مورد توجه و استفاده تمام قشرها از عالم گرفته تا مسلمان پایبند به مسائل اسلامی بوده است، ابتدا از ایران و دیگر نواحی شبه قاره به هندو پاکستان رفت و به زبان عربی و بیشتر به زبان فارسی و

بعضاً اردو ترجمه شد. سپس در شبه قاره عالمان بزرگی پیدا شدند که خود به تألیف کتابهای فقهی پرداختند. در نتیجه، حجم قابل توجهی هم از این طریق بر آثار قبلی افزوده گشت که به عنوان برخی از آثار اشاره می شود:

- **تحفه آصفیه** تألیف فخرالدین احمد معروف به محمد جعفر (دو نسخه محمود آباد ۵۱۴: ۱۱، ۱۲).

- **رسالة احکام** از محمد امان (محمودآباد ۵۲۳: ۴۲).

- **اجوبه سؤالات المتفرقه** از شاه عبدالعزیز دهلوی (رک: ندوة العلماء: ۵۲).

- **انوار محمدیه شرح فرائض السراجیه** از محمود بن محمد صدیقی (به نقل از: ندوة العلماء: ۵۵).

- **ترجمة رسالة مسالك السداد الى مناسك الافراد** از رکن الدین محمد المدعو به تراب علی (رک: ندوة العلماء: ۶۰).

- **ترجمة شرح وقایه** از عبدالحق سجاول سرهندی (به نقل از ندوة العلماء: ۶۱).

- **چند فتاوی میرزا حسن علی محدث دهلوی.**

- **فتاوی مختلفه شاه عبدالعزیز دهلوی** (رک: ندوة العلماء: ۹۸).

- **فوائد المسلمین** از عبدالله بن عبدالرحیم دهلوی.

- **فوائد فیروزشاهی** از ناشناس (به نقل از: ندوة العلماء: ۱۱۰).

- **کشف الغطاء** از شاه نورالحق دهلوی (رک: ندوة العلماء: ۱۱۲).

- **مختار الفرائض** از شیخ ولی الله (به نقل از ندوة العلماء: ۱۱۸).

- **اساس المصلی** از بدر رکن مذکر سندی، کهن تر نسخه آن مورخ ۹۸۵ هـ (رک: موزه، ۸۱۲).

- **کنز العباد فی شرح الاوراد** از مولانا علی بن احمد غوری مرید شاه رکن الدین عالم ملتانی (م ۷۳۵ هـ / ۱۳۳۴ م). (به نقل از: موزه، ۸۱۴).

- **حیات الصائمین** از محمد هاشم بن عبدالغفور تتوی سندی در مدت ۱۷ ربیع الاخر ۱۱۳۱ هـ / ۱۷ ذی الحجة ۱۱۳۳ هـ / ۱۷۱۹ - ۱۷۲۱ م. در مسائل روزه. (به نقل از: موزه، ۸۲۴).

- خلاصه الفقه ۱. از عبداللطیف لاهوری در فقه اهل تسنن (رک: دو نسخه موزه، ۸۲۶ و گنج بخش ۴: ۲۲۲۰).

- خلاصه الفقه ۲. از ناشناس (رک: موزه، ۸۲۶).

- سند الاسلام از فتح الله بن سید باقر حسین سیکری به تاریخ ۲۷ شوال ۱۰۶۲ هـ / ۱۶۵۲ در مسائل فقهی اهل سنت (به نقل از: موزه، ۸۳۱).

- عمده الاسلام از ابوطاهر بن کمال ملتانی در فقه اهل تسنن (رک: پنج نسخه، موزه، ۸۳۶ و منزوی ۴: ۲۲۵۴). (همان، ص ۷۶ تا ۸۵ به اختصار).

۴. کلام و عقاید

در زبان فارسی صدها کتاب و رساله در موضوع کلام و عقاید وجود دارد که در آنها پیروان دین مبین اسلام نه تنها به شرح اصول و عقاید مختلف اسلامی پرداخته اند، بلکه در مقابل اعتراضات و ایرادات مخالفان اسلام نیز به دفاع برخاسته اند. این ایرادات از سوی غیرمسلمانان بویژه کشیشان و مبلغان دینی مسیحی و هندو در شبه قاره علم شده و گاهی به صورت کتابهای مستقل و گاه در ضمن مناظرات و مباحث مذهبی، که بین علمای اسلام و مبلغان مسیحی واقع شده، ارائه گردیده است. در اینجا برای نمونه به برخی از آنها اشاره می شود:

- تجرید المعبود فی جواب النصارى و اليهود العنود از سید ابوالقاسم لاهوری، ۱۳۱۵ هـ / ۱۸۹۸ م (رک: نوشاهی ۲، ۱۰۲۸).

- ازالة الاوهام باجوبة سؤالات از میان رحمت الله.

- تحفة المسلمین و هدیة المؤمنین از عبدالله بن حسن علی دَرَزَدِ نِصَارِی (چاپ لاهور، ۱۳۱۶ هـ / ۱۸۹۸ م).

- سوط الله الجبار علی متن الکفار از مولوی محمد علی (چاپ هند، مطبع صدیقی، ۱۲۸۶ هـ / ۱۸۶۹ م). در رد کتاب تحفة الاسلام تألیف مهاراجه بیس برن.

- رد عقائد هند و خلعت الهنود از بت شکن در رد عقاید هندوان (چاپ مطبع صدیقی هند، ۱۲۸۱ هـ / ۱۸۶۵ م).

هم چنین گاهی جنگ عقاید به صورت مناظرات و مباحثات مذهبی و فرقه‌ای بین پیروان بعضی فرقه های اسلامی شبه قاره در گرفته و صدها کتاب در رد عقاید از سوی

مخالفان و بسیاری از کتابها به وسیله پیروان این فرقه‌های اسلامی در دفاع از عقاید خود و در پاسخ به ایرادات مخالفان تألیف شده است؛ مانند

- *تحفة اثنا عشریه* از شاه عبدالعزیز دهلوی (چاپ لکهنو، نولکشور، ۱۳۱۳ هـ / ۱۸۹۶ م) و غیره...

- *الاصول الاربعه فی تردید الوهابیه* از خواجه محمد حسن خان سرهندی و غیره.

به علاوه چندین کتاب نیز در ردّ و دفاع از مذهب قادیانی به تألیف درآمده است؛ مانند

- *ردّ قادیانی* از سید حسین شاه میان دیری (به نقل از: منزوی ۲، ۱۱۰۷) و غیره. (همان، ص ۹۵ تا ۹۶).

در سایر زمینه‌های علوم اسلامی هم کتابها، رساله‌ها و آثار دیگری، فراوان نوشته شده است که برای پرهیز از تطویل به همین اندازه بسنده شد.

نتیجه

با ورود اسلام به شبه قاره هند و پاکستان و گسترش آن در سرتاسر این سرزمین وسیع از حدود قرن چهارم و پنجم هجری به بعد به دلیل پذیرش دین اسلام، مردم مسلمان این خطه همواره برای درک دین خود - بویژه فهم قرآن مجید - در ترجمه، تألیف و تصنیف انواع زمینه‌های علوم قرآنی مانند ترجمه و تفسیر قرآن تألیف و ترجمه کتابهای حدیث، فقه، اصول، کلام و سایر موارد، کوشش‌های بسیار کرده‌اند و در هیچ مورد براساس اسناد و مدارک از کتابشناسیها گرفته تا فهراس مقالات و کتابخانه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی - بالاخص دینی - کم نگذاشته‌اند. برای آشنایی با حجم مقداری از این آثار در موضوعات گوناگون به کتاب *الثقافه الاسلامیه فی الہند* تألیف مولانا حکیم سید عبدالحی که به زبان اردو و تحت عنوان *اسلامی علوم و فنون هندوستان مین* (علوم و هنرهای اسلامی در هندوستان) توسط مولانا ابوالعرفان ندوی ترجمه و در دارالمصنّفین اعظمگده (بدون تاریخ چاپ) منتشر شده است، رجوع کنید.

فهرست منابع

- ۱- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). کتابشناسی ترجمه‌های قرآن به زبانهای خارجی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).
 - ۲- فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ندوۃ العلماء لکهنو. دهلی نو: مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند. ۱۳۶۵ ش / ۱۹۸۶ م.
 - ۳- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۹). کاروان هند. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۲ ج.
 - ۴- منزوی، احمد. (۱۳۶۱). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. ج ۴.
 - ۵- میرعثمان علی خان بهادر. (۱۳۵۷). ش. فهرست مشروح بعض کتب نفیسه قلمیه کتب خانه آصفیه سرکار عالی، حیدرآباد دکن. مطبوعه دارالطبع سرکار عالی. ج ۲.
 - ۶- نقوی، علیرضا. (۱۳۷۴). «زبان فارسی، زبان دین». مجموعه سخنرانیهای نخستین سمینار پیوستگیهای فرهنگی ایران و شبه قاره. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با همکاری تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی.
 - ۷- نوشاهی، سیدعارف. (۱۳۶۲). فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
 - ۸- ----- (۱۳۶۹). فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. ج ۲.
 - ۹- نیازی، ضمیر. (۱۳۸۱). «اولین ترجمه و تفسیر منظوم کلام پاک». ترجمه ابوالقاسم رادفر.
 - ۱۰- کیمیای سخن (مجموعه مقالات همایش نکوداشت دکتر سید محمد علوی مقدم. بهار ۱۳۸۰). به کوشش و ویرایش مهیار علوی مقدم. سبزوار: دانشگاه تربیت معلّم.
 - ۱۱- لعل نهر، جواهر. کشف هند. ترجمه محمود تفضلی. تهران: امیرکبیر.
- برای اطلاعات بیشتر ر. ک:
۱. قرآن حکیم کی اردو تراجم، صالحه عبدالحکیم شرف الدین، بمبئی، ۱۹۸۴ م.
 ۲. قرآن کریم کی اردو تراجم (کتابیات)، مرتبه دکتر احمدخان، نظر ثانی سید عبدالقدّوس هاشمی، اسلام آباد، مقتدره قومی زبان، ۱۹۸۷ م.